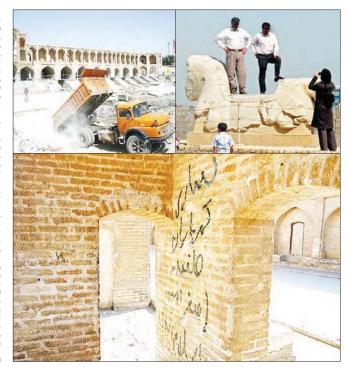
آگاهسازی مردم برحقوقشان، مهمترین وظیفه روشنفکران

ذرەبين

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در گفتوگو با «شهروند»:

# **کار فرهنگی جدی در کشور انجام نشده است**



البته این اعتقاد را دارد که طی سال های اخیر در

درباره این موضوع گفتو گویی با او انجام شده که می خوانید:

کارشناسان در تحلیل اکثر آسیبهای موجوددر جامعه ماهمواره از یک مولفه به عنوان

ریشهٔ اصلی گسترش ناهنجاریها یاد می کنند و آنهم ضعف در فرهنگسازی است. جالب

ن جاست که مااین ضعف را به همه حوزه ها از

یاسی گرفته تا اقتصادی و اجتماعی و حتی

فرهنگی ارتباط میدهیم. به عنوان نمونه وقتی

از ترافیک سنگین در کلانشهرها گرفته تا

شُعارهای غیراخلاقی هواداران تیم های فوتبال

گی جدی ان

نشورمآن كار فرهنا

| طـرح نــو| فرهنگ بهعنــوان زيرســاخت ــائلی است که . بات اجتماعی از جمله مس پرداختنبه آن،اهمد بسيار دار دامادر جامعهما پرد، عنی به آن، مسیع بسیار دارد، ما در جمعت استفاده از واژه فرهنگ و بیشتر فرهنگ سازی، گاهی اوقات جنبه رفع تکلیف دارد به این معنا که هرجاکمکاری یا نقصانی وجوددارد به جای پرداختن به اصل ماجرا بحث از فرهنگ و فرهنگسازی به میان می آید. این نوع استفاده وافر از واژه فرهنگسازی کمان را بر این می برد ر هر روز در سعت سری سی رز بر یی یی بر کداین شیوه درویه است که بر خی از مسئولان، برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت چنین شیوه ای را برای پاسخگویی استفادهمی کنند. حجتالاسلام مغیب کی این این این

کمیسیون فرهنگی مجلس شوراًی اسلامی

mar -

یز هســـتند، یاسـ

اجازه دهید در این زم

۔ اگر از این افراد ہیر سے

وجود مشكل در جوامع انسـانى از بديهيات است

اما شیوه حل مشکلات یا روشی که برای پاسخ به آن مه سیود صل میکرد یا روسی عبرای پسری پسی به ان ارایه یا بهعنوان استارتزی بر گزیده می شود می توند تاحدی فضای ذهنی افراد مسئول یا دیگر اقشار آن جامعه را نشان دهد در کشور ما از سال های گذشته برای پاسخ به بسیاری از نواقعی با مشکلات اجتماعی

پاسخى مشابه بيان مىشود. اين رويه چنان غالب است كه اين شــيوه پاسـخگويى، از مسائل جزئى تا موضوعات كلان را دربر گرفته اسـت. متاسـفانه

در بسیاری از موارد زمانی که با مشکلی روبه رو میشیویم، برخی افراد که در میان آنها مسیئولان خى ھميشــگى ارايەمى كنندو

.ر آن هم این است که اما فرهنــگ لازم را نداریم» یا این که ادر این حوزه فرهنگ-ســازی نشــده است.»

ب اعتقاد من این نوع پاسخگویی به مشکلات و معضلات ناشی از نداشتن اطلاعیات صحیح درباره ریشه مسالل است.

. رو یا رو یا رو یا در بال رو یا در بال رو یا در این شیوه مسائل را

، تجزیهوتحلیل می کنند، نه اطلاعی از اصل مشـکل و ریشه های آن دارند و نه حتی به خود زحمت تفکر

پاسخی ندارند. آنهانه میدانند که فرهنگ چیست. فرهنگ سازی چه شیوههایی دارد و حتی نمی دانند

گر ما در یک موضوع خاص فرهنگ لازم را نداریم،

همچنین افرادی هم هســتند که از سر راحتی، تنها

ومدامهم همين جمله رادر برابر همه سوالات مطرح

مىكنند بهعنوان نمونه فردى كهمسئوليت يكاداره

از چه زمانیی به ایس بی فرهنگی مبتلاً ا

یک چیزی به نام «نیاز به فرهنگ سُـازی) ش

ت و چگونه باید فرهنگ ســـــاز ی کـــر د، هیچ

بەر ر. نە شــفاف و صريح م

ـید که منظور شمااز فرهنگ

سائل را

د کتر قمر فلاح

در ورزشگاهها ســخن میگوییم، عامل اصلی را فقدان فرهنگسازی معرفی میکنیم. حال این پرسـش مطرح می شـود که این نوع ریشه یابی مشکلات برای سرپوش گذاشتن بر کاستی های صلی است یا واقعا در فرهنگ سازی دچار

مشكلهستيم؟ را مي توانيم درست بدانيم. به عبار تي برخي اوقات براي كتمان مشكلات مديريتي و ضعفها، مي گوييم فرهنگسازی لازم انجام نشده و در زمان هایی نیز نظر ىرمىد. كا، شناساندرس cult

نتيجه منطق مجنمي رسمي ودر مورد تمام مسائل و مشكلات مي گويم (مشكل ما فرهنگي است» ايس در حاليي است ك يك معضل تنها

یک دلیـل نداشــته و مجموعــهای از دلایـل موجــب ایجـاد ایــن مشــکل شــده اســت.

یچ زمانی هـــم به خودمــان زحمـــت نمیدهیم ــه بگوییـــم در ایـــن زمینــه اطلاعاتــی نداریم.

خیالباف به بیراهه رفته و در رویا غرق می شــود، اما

یک انسان متفکر مسائل را به در ستی تحز بهو تحلیل

کردہ و باریشہ یابی دقیق مشکل، برای رفع آن نیز

برنامەريزىعلمىمىكند. مــن معتقــدنيســتم كــهمـادر هيچزمينەاي

قطع خيالبافى با تفكر تفاوتهاى

يارى دارد. فرد

• اگر پرسش فوق را این گونـه تغییر دهیم که فقدان فرهنگسازی چەنقشی در ناهنجاری های اجتماعی موجوددار د.پاسخ شماچیست؟

بهطــور قطع یکــی از عوامل اصلــی ناهنجاریها و آسیبهای اجتماعی امروزناشی از فقدان فرهنگ سازی است. این آسیبها در حوزه وسایل، تجهیزات و حتی موضوعات مدرن بیشتر احساس می شود. به طور مثال نحوه استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی در جامعه ماراًه ومسیر صُحیحٌی راطی نمی کندو علّت این است که مااینترنت داریم، امافر هنگ سازی لازم در مور دنحوه ،حیح اســــتفاده از این تکنولوژی به خوبی در جامع نهادينه نشدم حال ممكن است برخى بگويند ماهيت ترنت بدو نامطلوب است وعدماى هم بگويند كه اگر . فرهنگاستفاده صحیحاز ابزار مدرن راداشته باشیم، به خطائمت وبم

#### ما با کدام گروه، نزدیکی فکری بیشتری ۰. . داريد؟

--نمی تــوان پاســخ کلی بــه ایــن ســوال داد. اگر منظور صـرف اينترنت باشــد، بهطور قطــع با گروه ممكن اسا برخی از کارشناسان و مردم معتقدند که ما بیش از آن که درمورد فرهنگسازی کار جدی انجام دهیم، حرف آن را زدهایه این در حالی است که رهبری زمانی که بحث فرهنگ و فرهنگسازی را مطرح کردند،مانندنامگذاری سال جاری بلافاصله از عباراتی چـون اعزمملـی، و امدیریتجهـادی، اسـتفاده شد. به عبارتی کار فرهنگی نیازمند روحیهای ملی و مدیریتی جهادی است و این روحیه با رفتار شعاری -ر- ی به به تقدیم که کار فرهنگی جدی تفاوت دارد. متاسفانه معتقدم که کار فرهنگی جدی در کشور ماانجام نشده، در حالی که مازیر ساختهای ـيارُ خُوبی داريم. بهويــُژه اين که جَامُعــه ما يک عه اســلامی و پيرو فرهنگ غنی تشــيع اسـت جامعه اس و اساســا در دین اســلام هیچ پر سشــی بدون پاسخ و مسلم در این مسلم می بدون پسمی بدون پسمی نمی ماند. پس اگر مشلکل فرهنگی و فرهنگ سازی داریسم، به طلور قطع اشلکال در کم کاری است. از سُــوی دیگر اگر زمانی که رهبری بهطــور مکرر و مداوم بر ضرورت کار فرهنگی تأکید فرموده و به همه هشدار می دهند که باید در برابر تهاجم فرهنگی غرب آگاه باشــیم، نشان می دهد که ایشــان دغدغه جدی دارند و اگر اشکالی وجود نداشت، ایشان به این میزان سرورت مدیریت جهادی در حوزه فرهنگی تأکید نمے فر مودند

مییرمونند • یکی از ارکان اصلی کشـور، مجلس شورای اسـلامی اسـت و فعالیت های مجلس در حوزه فرهنگی در کمیسیون فرهنگی متمرکز است. آياً عملكـرد مجلـس در ايـن حـوزهُ راً مثبت مىدانيد؟

می ایند؟ ماهمه در یک جامعه زندگی می کنیم و جدای از هم نیستیم بناراین اگر در حوزههای کلان مانند مسائل فرهنگی واجتماعی بامشکلی روبه رومی شویم؟ معنی دارد. حافظ می در کا یک مو مید خد هاک معضلات تلاش كنيم وديگر اين كهدر همه بخش ها كار جدىانجامنشدەاست.

ل. البته مسئوليت و وظايف هر نهاد و دستگاهي بايد متناسب باحوزه ووسعُت اختيارات آن بُررسی ولرزيابی شـود همچنين من به عنوان يک نماينده نبايد درباره عملكُرد مجلس وكميسيون فرهنگي اظهارنظر كنم، بلكهاينمردم هستندكه نظر آنهابايدمورد توجه جدى قرار گیرد.

دجــار ضعــف فرهنگـــى نب

گیتیاعتماد در موضـوع بھانەجویــی برخــی مســئولان کەدر هــر موضــوع و معضلی کەاز آنھا ســوال میشــود، همین پاســخ تکــراری را می.هند،

اباید فرهنگسیازی شیود، حرفهای زیادی

می توانُ زد. اگرچه حقیقتا بستگی به اینُ دارد که موضوع چیست. اما در هر صـورت، چیزی

که قطعتی می نماید، این است کیه تأکید بر فرهنگسازی، موید عدم آگاهی مردم است. مردم از حقوق خودشان آگاه نیستند. چراکه اگر چنین

رو رو رو رو . بود، دیگر کسانی مدعی فقیدان فرهنگ لازم نمی شدند. همین موضوع، یعنی فقدان آگاهی،

منجر به این می شود که در خواستی از سوی مردم مطرح نشود.

مردم در ایران بر حقوقشان آگاهی ندارند. چه از

نظرسیاسی،چەاقتصادی،چەحقوقیواجتماعی. بەطورمثالدر شهرسازی،قانونیداریم کەمردم،به

آن آگاه نیستند جزعده معدودی که با آن سرو کار دارند که از این قرار است؛ فرض کنید زمین شما در

حدوده یک پارک افتاده است. اگر بعد از ۱۸ ماه، معدودة يديار كالعناد است. الاربعدار ۸۱ ماه. شهردارى اين زمين رااز شمابه نرخ روز خريدارى نكند، شــمامى توأفيد كاربرى اين زمين راعوض كنيد. افراد معــودى از اين قانون اطــلاع دارند. قانوني كهحقوق مالكين است. حالاهمين مسأله را

بهموارددیگر،در حوزههای دیگر،اعماز اجتماعی، سیاسی،فرهنگیو...تعمیم،بدهید.ببینید کهچند

نفراز مردم به حقوق حقه خرود واقفند حقوقي

که وقتی مردم به آنها آگاهمی ندارند، هر حرف و سخن و حکمی راحتی خلاف حقوق مسلم شان،

ی. ... وظیفه این روشــنگری و آگاهسـازی مردم

و فرهنگستازی، بر عهده همه روشتفکران و مصلحان اجتماعی، سیاستی و فرهنگی است.

به طور مشال در حوزه اجتماعي و ايمني،

بعضور مصان در صوره جمعاصی و یعمی آگاهسازی در مقابل زلزله با مقاومسازی میتواند فرهنگسازی در این حوزه تلقی شود. همچنین، وظیفه فرهنگسازی، برعهده دولت

فرهنگی اعم از سیاسی و ... ورسانه های دیداری و شنیداری خصوصی به ایجاد، تقویت و حمایت

از نهادهای دولتی و حکومتیی روی آوردهاند که

نلویزیونی آغاز می شـوند تا آخرین شـان را در ظر بگیریــد؛ ببینید چەچیزھایــی را به مردم آمــوزش میدهنــد؟ چــه گامهـای صحيح و ،سورس می محمد ، چے عممی ی عمین و صوابی در جهت فرهنگ سازی برمی دارند؟ با این پول ها و بودجه هایی کـه از بیت المال در اختیارشــان قرار میگیرد، خروجی و ماحصل کار بر مبنای رســالتی که بر دوششــان است، چیست؟ بەنظر مىرسد، مەم،ترین وظیفەاى كە برعەدە روشــنفكران و مصلحان سیاســى-اجتماعی است، پیش و بیش از هر چیز دیگری، واقف کردن مردم به حقوقشان و آگاهی در این

، خصوصا صداوســــما است. صدا و سیمایی که

نا امروز بیش از فرهنگسازی، هزار روش دیگر

را رفته است. از اولین ساعتی که برنامههای

ُ فُرهنگسازی، شـرایط و لوازمــی دارد. در زمان جنگ در مدرســه فرزنــدان من که ۱۴ و ۱۶ ســاله بودند، آموزش سلامت محیطزیست را دادهاند؛ آن قدر خوب این کار را انجام دادهاند که حتی امروز که بیش از ۴۰ســال از عمرشان گذشته، آن آموزش ها را از یاد نبر دهاند و در خود نهادینه و به تعبیر دیگری، درونی ساختهاند. اما مروزه می بینید کـه بهندرت در مدارس چنس اتفاقاتی می افتد و آموز ش های صحیح و کاربر دی به بچهها می دهند. این فر هنگساز ی ربر ک. . . . باید در مدارس و نهاد آمــوزش و پرورش اتفاق بیفتد. یعنی جایی که بچهها بیشــترین قدرت یادگیری و تربیت و همچنین، بیشترین شرایط پذیرش را دارنــد. حال که آمــوزش و پرورش، مداوسيما و مسئولان، از زير بار اين وظايف، شانه خالى مى كنند، ايس وظيفه بسر دوش روشنفكران-نه عوام-افتاده است. روشنفكراني که پیش از هر چیز، احساس مسئولیت و وظیفه می کنند، باید ابتدا از خود و بعد از اطرافیانشان میکنند، باید ابندا از حودو بعد از سر سر ــــــــ آغــاز کننـــد در این میــان می تــوان از طریق ســازمان های مردمنهــاد و ۱ان جیاو اها نیز به ب این را در می بیشترین تأثیر را در جامعه میگذارند و این جز به خاطـ ر اعتمادی که در م, دم ایجاد کر دہاند، نیست.

### ادامه از صفحه ۹

ادامه از صفحه ۹

#### نهادسازي كاستى فرهنك جامعه ايراني

نولتها به جای نهادسازی و کمک به نهادهای در مقابل فرهنگ دستوری و اجباری بایستند. در معین کومند دستوری و جبری پیشند. مثل اتفاقی که در تشییع جنازه مرتضی پاشایی رخداد که به نوعی رساله مولتی را وادار کردند با رفتار مدنی و به صورت مسالمت آمیز به خواسته مردم تن بدهد.باید این نکته را به یاد داشت که ار بهتهای وضیع و خدوشتی روی اورندند کند مرتم رفتند و مدوم یک ویه موقیه اینانی کند را بیاندانشت کند کودموجیف الملام کمتحددر گیر شده است مردم ی محموی این اینانی کند را بیاندانشت که ویامک قاصله گرفتن بخش مردمی و خصوصی از تالاش می کنند که در مو موقیتی با وفتار مندی و بخواهشند.

## برای فرهنگ سازی دیر شده

در این زمینه انجــام دادهاند و مهمترین کار بحث حال این پرسش مطرح می شـود که چه نهاد تدوين پيوست فرهنگي است. و دســـتگاهی متولی فرهنگســازی لازم اسـ مانياز داريم كُه در كنار همــه طرحها ولوايح و قوانینی که به تصویب می سد، یک پیوست فرهنگی داشته باشیم تادر آینده دچار آسیب

ر... این پیوست فرهنگی هم تنها مخصوص یک يا چند حوزه نيست و بايد در تمام بخشها لحاظ از سوی دیگر محلس در زمان تصویب بودخه،

ر سوی دیتر سیسی در رسی سویت برد. ردیفهایی برای کار فرهنگی مشخص کرده است و امیدواریم دولت که امور اجرایی را برعهده دارد، بیش از گذشته به این مقوله بسیار مهم و حساس توجه داشته و با استفاده از نظرات نخبگان و كارشناسان،اقدامات لازمراانجام دهد.

و کستردگی این حوزه به اندازهای است که هر گز یک دستگاه وحتی یک قوه نمی تواند در این زمینه بار تمام مسئولیت رابر عهده گیرد. برایا به این ایران که دستگاهها و نهادهای ارشد در کنار تمام نهادهای متولی امور فرهنگی، دستگاههای متولی امور آموزشی وبالاخره تک تک مردمدراین زمینه مسئول هستند. اگرچه برای فرهنگ سازی زمان زیادی را از

دادمایم و خیلی برای این کار دیر شده اس اما براساس همان مثل معروف، جلوی ضرر را هر جايى بگيريم،منفعتاست.

مجلس شورای اسلامی طی سال های اخیر و بەويژە كميسىيون فرھنگى تلاشھاي زيادى را امروز ایران نیازی به فرهنگسازی ندارد. اتفاقاضعفهای ما در این حوزه بسیار زیاد است. فقیدان فرهنگ سازی در بخش های مختلف آسیب های جـدی بـه کشـورمان وارد مختلف آسیبهای جدی به کشورمان وارد کرده و متاسفانه ایسن امر همچنان ادامه دارد. نوان نمونه تكنولوژى روز راوارد كردهايم، اما ش بمغنوان نعوزه کندونوژی روز راوزد کردهایماشیوه استفاده صحیحاتر آن را ندایریم امروز کثر مردم ایران، پیر وجوان، از یک آدمسالدو عامی گرفته آیک استا دانشگاهومتخصص یامدیر یک دستگاه همگی تلفن همراه داریم، اما آیا به ماشیوه استفاده صحیح از این ابزار را آموزش دادهاند؟ آیا میدانیم استفاده طحیح از این همراه باید به چه شکل باشد؟

نیم و در جامعـــه

سر دیود به سریست. در حوزههای دیگر هم وضع به همین منوال است. مثلا امروز اکثر خلنوادهها یک خودرو دارند، اما نمی دانیم شیوه رانندگی صحیح چگونداست. ی جودرو یک وسیله و ابزار است. برای استفاده از یک ابزار بخش ابتدایی تهیه ابزار است، امامابقی کار - ، درمان کا ، ای کا ، ، در ای در جامعه ما نحوه استفاده صحیح از آن است. آیا در جامعه ما نهاد یا دستگاهی شیوه استفاده صحیح از وسائل نقلیه را آموزش داده است؟ متاسفانه در آموزشگاهها

تنها قوانین راهنمایی و رانندگی و آن هُم به صورت خیلی کلی آموزش داده می شــود. اما کســی به ما نمی گوید که چگونه در حین رانند گی باید به حقوق دیگران احترام بگذاریم. این آموزش ها باید در تمام میتران مرا به برای بین مورس بید را میم موز معاوجودداشـــته باشد. به نظر من برای یک بار هم که شده به جای این که در کتب درسی کودکان بنویسیم که «کبری خانم چه غذایی را دوست دارد یا ہے۔ یامــادرش برای صبحانہ چہ درســـت کــردہ، باید بنویســیم که اگر کبری خانم قانون را رعایت نکرد وبه حقوق دیگران احترام نگذاشت چه مشکلاتی برای او پدیدمی آید.

ن رب ۔ ی ۔ بنابراین بیرای این که بتوانیم حداقل بخشیے از بمبراین بسرای این که بموسیم عناق بخسمی از این مشکلات را برطرف کنیم، بایددر حوزههایی مانند آموزش و همچنین ایجاد نظام تنبیه و پاداش برنامهریزی جدیداشتهباشیم. میگوییم فرهنگسازی نشده، اما نمی دانیم یعنی چه

لا: مانحامنشدهاست

مسویینی مارند به عباری ریسه مسان دار جای دیگری توصیف کرده و مسئول حل آن معضل را هم نهاددیگری معرفی می کنند. متاسفانه در جامعه ما یک مشکل ریشهای وجود

داردوآنهم تلاش نكردن براي تحليل دقيق مسائل واكاوى صحيح مشكلات وعدم تفكر كردن است. ت و تحليل به هر حــال تفكر داراي يك نظام اس ـائلُ راهو روش داردٌ. در جامعــهٰ ما هر گز ُشـ صحیح فکر کردن و در ست تحلیل کـردن را به ما آموزش نمی دهند. در هیچ دبســتان. دبیرســتان و دانشگاهی به دانش آموزان و دانشجو یان مانمی گویند كەچگۈنەفكركنند.



از وی سوال می کنیم، می گوید امتاسفانه مانیاز به فرهنگ سازی داریم و در این زمینه فرهنگ سازی



ین افراد می خواهند مشکلات مربوط به حوزهای که با آن سروکار دارند را به گردن فرهنگ انداخته وبعــدهم مدعی میشــوند که در حــوزه فرهنگی مسئولیتی ندارند. به عبارتی ریشه مشکل را در جای

را دارد، وقتى درباره موضوعات مربــوط به آن حوزه

بههمين دليل ماآموزش نديدهايم كهاز چهزاويهاى به مسائل نگاه کرده و چگونه آنها را تجزیه وتحلیل کنیم. بهطور طبیعی وقتی این راه را بلد نیستیم، به